



خانواده و یافته‌های پژوهشی

برگ و همکاران، ۱۹۹۲).

وقتی والدین درباره آینده با نوجوانشان گفت و گو می‌کنند، به نمراتشان توجه می‌کنند و به برنامه‌های آن علاقه نشان می‌دهند، نوجوانان به نمرات بهتری دست می‌یابند (اکنرود و همکاران، ۱۹۹۳؛ فهرمن و همکاران ۱۹۸۷).

استیونسون و بیکر (۱۹۸۷) نشان دادند دانش آموزانی که والدین آنها دخالت و تعهد بیشتری نسبت به مسائل آموزشی و تربیتی آنان دارند، درجات بالاتری از پیشرفت تحصیلی را در مدرسه به دست می‌آورند.

شیوه‌های فرزندپروری والدین نیز به طور غیرمستقیم از راه

بررسی تأثیر عوامل خانوادگی در وضعیت تحصیلی

دانش آموزان دوره متوسطه استان قم

والدین دانش آموزان پیشرفت کننده، به طور کلی، به این که فرزندانشان چگونه عمل می‌کنند، علاقه‌مندتر و در مورد برنامه‌هایشان در کلاس تشویق کننده‌ترند. این والدین به طور فعالانه تری علاقه‌های تحصیلی را در فرزندانشان ارتقا می‌دهند و نگرشی مثبت نسبت به معلمان و مدرسه را در آنها تقویت می‌کنند. این قبیل والدین، در مقایسه با والدین دانش آموزان افت کننده، به تلاش‌های تحصیلی و بیان روشن انتظارات خود از فرزندان اهمیت می‌دهند (مک کان و همکاران، ۱۹۹۲؛ اشتابن



پژوهش‌های آموزشی

سریه ماهانه آموزشی - تربیتی
تأسیسات: ۱۳۸۷
شماره ۳۳۵ - ۳۳۶ - ۳۳۷

ایجاد و پرورش سازه‌های شخصیتی مختلف، مانند عزت‌نفس، خودپنداره‌های مثبت و منفی تحصیلی، مکان کنترل، اضطراب، پرخاشگری و مانند آن، بر پیشرفت تحصیلی فرزندان مؤثر است (فیندلی و کوپر، ۱۹۸۳؛ گلاسکو و همکاران، ۱۹۹۷).

در ایران پژوهش‌های محدودی در زمینه تأثیر عوامل مختلف خانوادگی در وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان کشور انجام شده است که هر یک متغیرهایی از موضوع گسترده مسائل خانوادگی را مورد توجه قرار داده است. به عنوان مثال، پژوهش انجام شده توسط رستگاران (۱۳۷۲) نشان داد دانش‌آموزانی که در مدرسه از سازگاری اجتماعی مطلوبی برخوردار بودند، رابطه‌ی مثبتی بر تفاهم و صمیمیت با والدین خود داشتند. محسن کوچصفهانی (۱۳۶۷) در پژوهشی نتیجه گرفت که خانواده‌های گرم و صمیمی با رفتارهای مناسب و عاطفی، در پیشرفت تحصیلی فرزندان خود نقش بیش‌تری داشته‌اند. همچنین، پژوهش عقیقی (۱۳۷۴) نشان داد افرادی که به خانواده‌های نیازمند و محنه‌های فقیرنشین تعلق داشتند، از لحاظ یادگیری و پیشرفت‌های درسی، در مقایسه با فرزندان خانواده‌های طبقه متوسط، در سطح پایین‌تری قرار داشتند.

با توجه به اهمیت موضوع وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه و نگرانی‌های اساسی خانواده‌های ایرانی و مسئولان و مدیران آموزش و پرورش کشور، پژوهش انجام شده توسط دکتر علی‌زاده محمدی، محمود حیدری، دکتر غلامرضا جندقی، دکتر حمیدرضا بوراعتماد، غفار ملک خسروی و نیره‌سادت سعادت‌مند به بررسی کارکرد خانواده، الگوهای تربیتی والدین و رابطه بین میزان تحصیلات و درآمد خانواده با وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان قم پرداخته است.

یافته مهم پژوهش مذکور این است که کارکرد پایین خانواده با کارایی ضعیف تحصیلی نوجوانان رابطه دارد. یعنی خانواده‌هایی که از نظر پاسخ دادن به روابط متقابل و نیازهای اعضای خانواده ضعیف‌ترند، احتمال بیش‌تری می‌رود که از نظر پاسخگویی به نیازهای انگیزشی فرزندان در مورد تحصیل نیز ضعیف عمل کنند. دیگر یافته‌های این پژوهش عبارت‌اند از:

- ۱- خانواده‌هایی که توانایی بیش‌تری در حل مسئله دارند، می‌توان انتظار داشت که فرزندان آن‌ها نیز توانایی و کارایی تحصیلی بیش‌تری داشته باشند. به‌طور مثال، اگر مشکلی مانند مشکل درسی برایشان ایجاد شود، راحت‌تر به حل آن می‌پردازند.
- ۲- وقتی که از تباط کلامی میان والدین و فرزندان بیش‌تر و به صورت مستقیم و صریح باشد، احتمال این که والدین علاقه‌مند بهتر بتوانند فرزندان خود را به فعالیت‌های درسی و آموزشی تشویق کنند، بیش‌تر می‌شود.
- ۳- خانواده‌های گرم و صمیمی و با رفتار مناسب و عاطفی در پیشرفت تحصیلی فرزندان مؤثر بوده‌اند.
- ۴- وقتی کنترل رفتار تعطف‌پذیر بیش‌تر اعمال شود، اعضا به

وظایف خود بهتر عمل می‌کنند، زیرا شیوه آموزشی و حمایت‌گرانه خانواده مشوق آن‌ها در فعالیت و انطباق با مقررات خانواده است؛ در نتیجه وظایف فرزندان مشخص است و انگیزه بیش‌تری برای پیشرفت تحصیلی، همسان ابعاد دیگر، برای فرزندان به وجود می‌آید.

۵- وجود هم‌زمان شیوه بیش‌تر آزاد گذارنده در مادران و شیوه بیش‌تر مستبدانه در پدران، با معدل پایین‌تر در فرزندان رابطه دارد.

۶- ناهماهنگی بین والدین، خود از عوامل ایجادکننده سردرگمی و بلاتکلیفی در فرزندان است و باعث مشکلات بیش‌تری برای آن‌ها می‌گردد.

۷- پسران با والدین دارای اقتدار منطقی، معدل کلاسی بالا و معنی‌داری داشتند تا پسران با والدین دارای شیوه استبدادی - آمرانه، به‌طور کلی نوجوانانی که از خانواده‌های دارای اقتدار منطقی - غیرآمرانه و مردم‌سالار بودند، از نظر پیشرفت تحصیلی نسبت به سایر گروه‌ها برتری داشتند.

۸- دانش‌آموزان با درآمد بالاتر توانسته‌اند معدل درسی بالاتری نسبت به دانش‌آموزانی با وضعیت اقتصادی پایین‌تر کسب کنند. کیمیل و اینز (۱۹۹۵)، همخوان با این یافته بیان می‌کنند که والدین با درآمد متوسط و بالا، بیش‌تر فرزندان خود را تشویق به درس خواندن و مدرسه رفتن می‌کنند. اما نکته قابل توجه این است که آن‌ها این مسئله را به ارتباط میان درآمد والدین و سطح تحصیلاتشان ربط می‌دهند.

۹- هر چه سطح تحصیلات پدر بالاتر باشد، پیشرفت تحصیلی فرزندان بیش‌تر است و این نتیجه در مورد مادران صادق نیست. در عین حال این سؤال که چرا این نتیجه‌گیری در مورد مادران صادق نمی‌کند، قابل بحث است. شاید بافت اجتماعی و فرهنگی خانواده‌های ایرانی عموماً و شهر قسم خصوصاً، با توجه به نقش قوی‌تری که پدران در خانواده بازی می‌کنند و ریاست خانواده با آن‌ها می‌باشد، به نوعی در ابقای ارزش‌ها و الگوسازی، بیش‌تر از مادران تأثیر داشته باشند.

۱۰- وقتی سن پدر و مادر کم‌تر باشد، احتمال این که با توجه به پیشرفت جامعه، تحصیلات بالاتری داشته باشند، بیش‌تر است و احتمال این که روابط نزدیک‌تری را بتوانند با فرزندان نوجوانشان برقرار کنند، بیش‌تر است و شاید بتواند ارتباط بهتری نیز با مسئولین مدرسه داشته باشند. همه این‌ها در پیشرفت تحصیلی فرزندان مؤثر است.

۱۱- در خانواده‌های پر جمعیت، رسیدگی به فرزندان، به‌طور طبیعی کم‌تر می‌شود و این مسئله خود سبب بی‌توجهی بیش‌تر به فرزندان و در نتیجه کم‌تر درگیر شدن والدین در درس و تحصیل آنان می‌گردد.

منبع:

فصل نامه خانواده پژوهی

شماره ۷- دوره دوم - پاییز ۸۵



پژوهش

نشریه ماهانه آموزشی - تربی
تابستان ۱۳۸۷
شماره ۲۲۵ - ۳۳۶ - ۳۳۷